

روشهای تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه

سید محمد ابراهیم حسینی

چکیده

این مقاله بر آن است که به بیان مطالب و روشها و راهکارهای علمی و عملی تربیت براساس آیات قرآن و دیدگاههای امام علی (ع) در نهج البلاغه بپردازد. در ارائه راهکارها و شیوه‌های ارائه شده در این مقاله به ابعاد عاطفی و درونی انسانها توجه بسیاری شده است؛ زیرا این امر برای انسانها نیازی درونی به شمار می‌رود. پرداختن به این نوع نگرشها در همه شیوه‌ها از جمله الگوپردازی و پیشگیری و تذکر و یادآوری و محبت و مدارا و عبرت‌آموزی و بصیرت‌آفرینی و بالاخره عفو، تغافل و تشویق و تنبیه در راستای تربیت انسان، نیاز عاطفی و مقتضای فطری انسانهاست که از دیدگاه‌های گوناگون قابل بحث است.

علاوه بر این در ارائه راهکارها به بعد عملی توجه بیشتری شده که در مقام تخلق افراد بویژه در تربیت فرزندان بسیار سودمند است. در مجموع، توجه به هر دو بعد عاطفی و عملی در راستای تربیت صحیح فرزندان برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در قالب روشهای ارائه شده به همهٔ مریبان از جمله خانواده‌های محترم در تعامل با متریبان و کودکان، اکیداً سفارش می‌شود.

کلید واژه‌ها: اخلاق، الگوی تربیت، اصلاح و هدایت، معیار عملی، خانواده از نظر امام علی (ع)

مقدمه

اسلام درباره همه امور عالم بویژه شاهکار آن یعنی انسان، طرح و برنامه دارد. از تأملی در خصوص اهتمام دین به همه ابعاد وجودی انسان از جمله روح و جسم و فطرت و عقل و اینکه نسبت به بلوغ فکری و رشد انسان و تربیت و تزکیه او از همه مکاتب بشری، مصمم تر و دارای برنامه‌ای فراگیرتر است به غنای واقعی آن می‌توان پی برد؛ چنانکه آن را جزء اهداف اصلی بعثت پیغمبر خود معرفی می‌کند و انسان را موجودی توانا و مسئول می‌خواند که می‌تواند و باید در مسیر تربیت و پرورش ابعاد وجودی خود براساس راهکارهای دین و ظرافتها و قابلیت‌های روانی خود حرکت کند.

«تربیت باید مایه دینی بیابد تا ناقص و صوری و بی‌دوام نماند تا بتواند خُلق و سیرت افراد و اعتقاد و ایمان و باور آنها را اصلاح و تکمیل نماید (مظلومی، ۱۳۵۸: ۱۴).

اسلام با عقل انسان بیشتر سروکار دارد تا او را با روشهای صحیح در مسیر پرورش جسم و روح مدد رساند. روشهایی که همه بر مبنای عقل و فطرت بشر رقم خورده و به مقتضای جسم و روح انسان از ظرافت و لطافت خاصی برخوردار شده است تا هم با عقل و فطرتش مغایرت پیدا نکند و هم به جسم و روحش آسیب نرساند. کار عمده تربیت اسلامی همان است که انسان را به ماهیت وجودی و هدف خلقت خود آگاه سازد تا با تکیه بر عقل و مقتضای فطرتش براساس راه و روشی حرکت کند که برای او تبیین شده است. در روش الگویی که بیشتر صورت رفتاری مطرح است و غالباً براساس فطرت انسان تدوین یافته، نقش مؤثر الگویی

رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) برای خانواده‌ها به عنوان الگوهای مجسم و علمای عامل بر مبنای همان ویژگیها قابل توجه قرار گرفته است. از آنجا که اسلام، دین آگاهی بخش و هدایت است و پیشگری را در همه راهکارهایش بر درمان مقدم می‌شمرد، روش کنترل پیشگیری بویژه در بعد تربیتی از زمان کودکی در خانواده، ارائه و بر آن تأکید فراوان شده است. پس از آن، روش موعظه و تذکر بر مبنای درون انسانها به عنوان غذای روح و لازمه فطری بشر رقم خورده که سیره قرآن و اهل بیت نیز بر آن مبنا شکل گرفته است.

در روش محبت و مدارا به عنوان اکسیر جان انسانها بر سازگاری با طبع بشر، راهکارهای تربیتی فرزندان در کانون پرمهر خانواده مورد اهتمام قرار گرفته و روش عبرت‌آمیزی و بصیرت‌آفرینی و تشویق و تنبیه (عفو و تغافل) در ادامه به عنوان مؤید و مکمل بحثها و راهکارها بیان شده است.

۱- روش الگوپردازی

«ولقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» (احزاب / ۲۱).

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در راستای تربیت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درخت پرثمر تربیت آن گناه به باز می‌نشیند که اصول تربیتی آن در قالب شیوه‌های درستی به اجرا درآید. یکی از این روشها، الگوپردازی برحسب نیاز فطری انسان و همانند سازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی است ولی هرم این الگو هرچه مناسبتر و کاملتر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می‌رساند. بر این اساس، خداوند متعال در قرآن برای تربیت نوع

بشر به ارائه الگو به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم پرداخته است. در شیوه غیرمستقیم، داستانهای زندگی پیامبران مثل حضرت یوسف و لقمان و ابراهیم و موسی (ع) را بیان فرموده و در شیوه مستقیم، الگوهای کاملی چون حضرت ابراهیم و حضرت محمد (علیهما السلام) را به عنوان اسوه‌های حسنه معرفی کرده است تا ما را به تأسی از سیرت و منش رفتاری ایشان، فرا خواند. پس از انبیای بزرگ، ائمه اطهار (ع) الگوی راسخ در مسیر رشد و تربیت انسانها تا در قالب عمل به هدایت ایشان پردازند. این الگوهای مجسم در ایجاد تحول و سازندگی در افراد و رشد و تربیت آنها از نقش ولایی خاص برخوردارند. بنابراین اسوه پردازی قرآن در واقع پاسخی به این نیاز درونی انسان یعنی الگویابی و کمال طلبی اوست تا به بیراهه نرود.

امام علی (ع) درباره نقش الگویی ائمه اطهار (ع) و لزوم تأسی به ایشان در ابعاد ولایی و تربیتی می‌فرماید:

انظروا الی اهل بیت نبیکم فالزامو سمتهم و اتبعوا امرهم فلن یخرجوکم من هدی و لن یعبدوکم فی ردی فان لبدوا فالبدوا و ان نهضوا فانهضوا لاتسبقوهم فتضلوا و لاتتاخروا عنهم فتهلکوا (امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۳۳۰).

به خاندان پیغمبرتان بنگرید. بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند برخیزید. بر ایشان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید.

این نقش پر مسئولیت در زمان غیبت، که دستها از دامان اهل بیت (ع) کوتاه است و چشمها از دیدار ایشان محروم، بر عهده عالمانی است که در عمل، رهرو طریق و متخلق به اخلاق ایشان هستند تا ابعاد الگویی اهل بیت (ع) را برای تربیت انسانها ترسیم و تبیین کنند. با توجه به نقش و نفوذ الگوها در شکل‌دهی رفتار، افکار و

عواطف انسانها، لازم است که با ارائه این الگوها و مسیر تربیتی ایشان در خانواده‌ها با موانعی چون تضاد بین گفتار و رفتار و لغزشهای فکری و علمی در مسیر رشد فرزندان که در جامعه فراوان است عملاً به مبارزه برخیزند.

بر اینان لازم است که خود نیز در مسیر تربیت مطابق همان الگوهای واقعی قرار بگیرند و بکوشند که در بعد الگویی در حد بالایی به ائمه اطهار (ع) نزدیک گردند تا در طی این مسیر از هرگونه خطا و انحراف مصون مانند و لاجرم انبوهی را از انحراف بازدارند و در مقام الگویی نصب العین نونهالان جامعه قرار بگیرند و بدانند که تأثیر رفتار بر انسان از گفتار بارها بیشتر است و آدمی از راه چشم، بیش از گوش به فراگیری تن می‌دهد و تعلیم عملی او را سودمندتر از تعلیم زبانی خواهد بود؛ چنانکه خود امام علی (ع) به عنوان یک الگو و نماد در مسیر رشد و تربیت انسانها این گونه بود و می‌فرمود:

«ابها الناس اني و الله ما احثكم علي طاعة الا و اسبقكم اليها و لا انهاكم عن معصية الا و اتنا هي مثلكم عنها» (امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۷۰۲).

ای مردم به خدا قسم من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم جز اینکه خود پیش از شما به گزاردن آن بر می‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم جز اینکه پیش از شما آن را فرو می‌گذارم. لذا لازم است که والدین در خانواده مطابق این شاخصه‌های رفتاری و الگویی عمل کنند و هم به معرفی الگوهای برتر پردازند. در این باره به این جملات حکیمانه از قول علی (ع) که خطاب به بزرگترها و خانواده‌ها و لزوم تأسی آنها از الگوها و تقید و آشنایی آنها با دین و ارتباط با کوچکترها و فرزندان و ضرورت تبعیت کوچکترها از ایشان در مطلع خطبه ۱۶۶ بیان شده است، توجه بفرمایید:

«لبتاس صغیرکم بکبیرکم و لیراف کبیرکم بصغیرکم و لاتکونوا کجفاة الجاهلیه، لافی الدین فیفقهون و لاعن الله یعقلون کفیض بیض فی اداح یکون کرها وزراً یخرج حضانها شدا» (امام علی (ع)، ترجمه محمددشتی، ۱۳۷۶: ۹۱).

ترجمه: باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگسالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند و چونان ستم شدگان جاهلیت نباشند که نه از دین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می کردند. همانند تخم افعی در لانه پرندگان نباشید که شکستن آن گناه و نگهداشتن آن شر و زیانبار است.

۲- روش پیشگیری و کنترل در تربیت افراد

رفتار و کردار انسان، متأثر از اوضاع محیطی مثل زمان و مکان و عوامل اجتماعی مثل دوستان و نزدیکان در معرض تغییر و تحول قرار می گیرد. بنابراین در تربیت افراد بویژه فرزندان نابالغ، خانواده‌ها علاوه بر نقش تکوینی و تربیتی خود باید مهار آنها را نیز به دست گیرند تا به دور از نظارت ایشان در معرض آسیبهای گوناگون اجتماعی قرار نگیرند و بدانند که نقش آنها در تکوین شخصیت فرزند آن هم در دوره کودکی و نوجوانی با پیشگیری و کنترل رفتاری از هر کسی و هر چیزی برتر و بیشتر است. بی تردید کودک پرورش یافته در دامن پرمهر خانواده، که خود متخلق به مبانی دینی و آشنا به فنون تربیت اسلامی باشند در سنین بالاتر که غالباً به دور از چشمان والدین و معلم به انتخاب دوست و همنشین می پردازد، کمتر در معرض این آسیبها و انحرافات قرار می گیرد؛ تازه نقش نظارتی خانواده را نیز بر خود می پذیرد.

بنابراین اسلام، پیشگیری در تربیت را به عنوان سازنده‌ترین شیوه کنترل افراد بر درمان آن مقدم می داند و امام علی (ع) از آن به عنوان امری لازم در مسیر تربیت و

رشد انسانها تأکید می‌کند و خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) درباره فلسفه تربیتش در نوجوانی می‌فرماید:

«انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شيء قبلته فبادرنك بالادب قبل ان يقسو قلبك و اشتغل لبك لتتقبل بحسد رأيك من الامر ماقدكفك اهل التجارب بغيته و تجربته» (امام علی (ع)، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

قلب نوجوان، چونان زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از اینکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه زحمت آزمون آن را کشیده و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته‌اند.

صدهزاران دام و دانه است ای خدا	ما چون مرغان حریص بینوا
دم به دم ما بسته‌ام توایم	هریکی گرباز و سیمرغی شویم
چشم باز و گوش باز و دام پیش	سوی دامی می‌پرد با پر خویش

مولوی

۳- روش موعظه و تذکر

موعظه در المفردات راغب به معنای منعی آمده که با بیم دادن همراه باشد (راغب، ترجمه خسروی حسینی، ج ۲: ۵۲۷). یکی از شیوه‌های تربیت و هدایت موعظه حسنه است که نیاز به آن در انسان، فطری و لازم بالفطره است؛ یعنی بدون آن، دل به شرار غفلت دچار می‌شود و می‌میرد. به فرموده امام علی (ع) صیقل‌دهنده قلبها و آرامش بخش دلهاست (الموعظه جلاء القلوب و صقال النفوس).

این روش نیکو در قرآن کریم بعد از حکمت مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه خداوند خطاب به پیغمبر خود در راه ابلاغ رسالت فرمود: «ادع الي سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتتي هي احسن» (نحل/ ۱۲۵).

ای پیامبر، مردم را به راه خدا با کلام حکمت بار و موعظه حسنه دعوت کن و با آنها به بهترین شیوه، سخن بگو.

این شیوه نیکو با زبان تذکر و یادآوری نعمات و تکالیف ابتدا در حق خود و آن گاه در حق دیگران رواست تا همواره در طریق معرفت و رشد یاورمان باشد و غفلتها را از دلمان در مسیر نورانی تربیت بزدايد. این ندای وعظ را از هر چیزی در عالم به گوش جان می توان شنید و با صفیر حرکت عالم به جوش و خروش درآمد. به فرموده امام علی (ع) انبیا آمدند که این ندا را به گوش جهانیان و خفتگان عالم برسانند.

«فبعث فیهم رسله و وانزالهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته و ینکروهم منسی نعمه و یحتجوا علیهم بالتبلیغ» (امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۳۳).

پس خدای تعالی پیامبران خود را در بین انسانها برانگیخت و ایشان را پی در پی فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جلی آنان بود بطلبند و به نعمت فراموش شده یادآوریشان کنند و از راه تبلیغ با ایشان گفتگو کنند و عقلهای پنهان شده از زیر غبار ضلالت و غفلت بیرون آمده و به کار اندازند.

شیوه امام علی (ع) در راستای تربیت فرد و جامعه در جنگ و صلح در قیام و قعود در سفر و حضر، چه در دوران زمامداری و یا خانه نشینی اش، همین بود که جاهلان را از راه وعظ و نصیحت و تذکر هدایت و تربیت می کرد و طاغیان سرکش را از راه مبارزه و تهدید و تنبیه بیدار می ساخت و تأکید می فرمود که تا دل قدری پذیرای کلام حق، و کاملاً نمرده است به دادش برسد که دل مرده را علاجی نیست:

«ان للقلوب شهوة و اقبالا و ادباراً فاتوها من قبل شهوتها و اقبالها فان القلوب اذا

اکره عمی» (امام علی (ع)، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

دلها را روی کردن و پشت کردنی است؛ پس دلها را آن گاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می گردد.

تذکر پدر و مادر نسبت به فرزند در همه آفات زندگی، او را در آن راهی که در پیش رو دارد، مصمم تر و آگاه تر می سازد و با آگاهی بیشتر به حرکت درمی آورد و ریشه های غفلت را در او از بین می برد.

امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) درباره روش تربیت او و موعظه برای راه حفظ آثار آن مرقوم فرمودند:

اي بني اني و ان لم اكن عمرت عمر من كان قبلي ... و ان اتبتك بتعليم كتاب الله عزوجل و تاويله و شرائع الاسلام و احكامه و حلاله و حرامه لاجاوز ذلك بك الي غيره ثم اشفقت ان يلتبس عليك ماختلف الناس فيه من احوالهم و آرائهم مثل الذي التبس عليهم فكان احكام ذلك علي ما كرهت من تبنيك له احب الي من اسلامك الي امر لاامن عليك به الهلاكه و رجوت ان يوفقك الله فيه لرشدك و ان يهديك لقصدك فعهدت اليك وصيتي هذه ... (امام علی (ع)، ترجمه محمددشتی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

ترجمه: پسر من درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکردم، اما در کردار آنها نظر افکنم و در اخبارشان اندیشیدم ... و زندگانی سودمند آنها را با دوران زبانبارش شناسایی کردم، پس از هر چیزی مهم و ارزشمند (تاریخ زندگی) آنها را و از هر حادثه ای زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم. پس آن گونه که پدری مهربان نیکی ها را برای فرزندش می پسندد من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبیها تربیت کنم زیرا در آغاز زندگی قراردادی تازه به روزگار روی آوردی نیتی سالم و روحی باصفا داری.

پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همواره با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم. اما از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد و کار را بر آنان شبهه ناک ساخت به تو نیز هجوم آورد، گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا تسلیم هلاکتهای اجتماعی نگردی و امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند و به راه راست هدایت فرماید. بنابراین وصیت خود را این گونه تنظیم کردم: پسرم بدان آنچه بیشتر دوست دارم از وصیت من به کارگیری، ترس از خدا و انجام دادن واجبات و پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده‌اند».

تاریخ آئینه عبرت انسانهاست. به کمک آن می‌توان آدمی را نسبت به حوادث روزگار و آنچه بر دیگران گذشته است، آشنا کرد و بصیرتی راهگشا به او عطا کرد تا زمینه برای تربیت در او فراهم گردد. بصیرتی که به تحولات عمیقی در زندگی و رفتار فرد منجر شود و از غفلت به آگاهی و از غرور به شعور برساند. خداوند دنیا را سرای عبرت و بصیرت قرار داد تا چشمهای بصیر در پی آن باشند و طریق هدایت را بیمایند؛ چنانکه مولا علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) برای ادامه مسیر تربیت، او را به عبرت آموزی از سرنوشت دیگران در طول تاریخ توصیه می‌کند و می‌فرماید:

«و سر فی دیارهم و آثارهم فانظر فیما فعلوا و عما انتقلوا و این حلوا و نزلوا»
(امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۳۳).

در دل تاریخ گذر کن و از میان راه‌های رفته و نرفته‌اش عبور کن و آثار بجامانده‌اش را بنگر و بین که مردمان آن، چه کردند و چه با خود بردند و ...

۴- روش محبت و مدارا

محبت اساس و رکن دین است و دین بر پایه آن به دلها رسوخ کرده و راسخ مانده است. خداوند تعالی پیامبر مکرمش را با خلق عظیم به میان مردم فرستاد تا دلهای سخت و زنگار گرفته آنها را نرمی و صیقلی بخشد و بدین منظور شیوه محبت و مدارا در سرتاسر زندگی درس آموز و تربیتی ائمه اطهار (ع) و نبی مکرم اسلام (ص) به چشم می خورد که هم جاذبه در افراد می آفرید و هم انگیزه تا از تلاطم و پراکندگی به اتفاق و اجتماع حول محور دین پناه آورند؛ چنانکه اگر پیغمبر اکرم (ص) این روش را پی نمی گرفت، آن همه اعراب بادیه نشین به دورش جمع نمی شدند تا از بادیه نشینی و بربریت به تربیت و فرهنگ دینی پناه آورند؛ چنانکه خداوند در جهت آموزش و ترسیم این روش برای ما خطاب به پیامبرش می فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم» (آل عمران / ۱۵۹).

ای محمد عنایت خدا در حق تو این بود که تو را با خلق خوشخو گردانید و اگر سخت دل بودی هر آینه مردم از گرد تو متفرق می شدند؛ پس چون امت بد کنند از آنان در گذر.

از آنجا که محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگار است و پذیرش آن از ناحیه درون و به دور از هیچ تحمیلی است، ایجاب می کند که اولیا و مریدان محترم بویژه خانواده ها برای جذب فرزندان و نوگلان جامعه و جلوگیری از انحرافات به این دو شیوه متوسل شوند و بدانند که اگر فرزندی از جام محبت خانواده سیراب گردد، کمتر به ناهنجاریهای جامعه تن می دهد و امروزه در مباحث شخصیتی کلان و

روانشناسی رشد افراد در میان کارشناسان تربیتی، همین بحث عاطفه و محبت در خانواده‌ها در رأس شاخصه‌ها و امور آن قرار می‌گیرد.

در این خصوص خانواده‌ها باید بدانند که در اغلب گفتارها و توصیه‌های تربیتی ائمه اطهار (ع)، بیشتر مورد خطابند؛ چرا که کانون پرمهر خانواده، یک نظام جامع تربیتی است که در بعد وراثتی و عاطفی و تناسب و تناسل روحی و جسمی از همه افراد به فرزند، نزدیکتر و در او نافذتر است؛ چنانکه در شیوه تربیتی امام علی (ع) به نهایت بعد عاطفی آن حضرت نسبت به فرزندانش برمی‌خوریم آن گاه که به امام حسن مجتبی (ع) در بیان وصایای خود چنین خطاب می‌کند و می‌فرماید:

«وَجَدْنِكَ بَعْضِي بِلِ وَجَدْنِكَ كَلِي حَتَّى لَوْ كَانَ شَيْئًا أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَانَ الْمَوْتُ سَوَاتَاكَ تَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكُنَيْتُ الْبَيْتَ كِتَابِي مُسْتَظْهَرًا بِهٖ اِنْ اِنَّا لَقَيْتُ لَكَ أَمْرًا غَنِيَّتٌ» (امام علی (ع)، ترجمه محمددشتی، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

فرزندم، تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای نوشتن تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد؛ من زنده باشم یا نباشم. بنابراین برای تربیت فرزند، لازم است که ابتدا شقفت و دلسوزی و مهربانی خود را نسبت به او با مدارا در برابر خود کامگی‌ها و اشباع عاطفی‌اش با بیان محبت آمیز به اثبات رسانیم و این شیوه را در سطح گسترده نسبت به همه در پیش بگیریم که امام علی (ع) در صدد تربیت نسل جامعه به این اصل یعنی تألیف قلوب و محبت و مدارا با مردم تأکید فرمودند:

«قُلُوبُ الرِّجَالِ حَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ» (امام علی (ع)، ترجمه محمددشتی،

یعنی دل‌های مردم وحشی (پراکنده) است به کسی روی می‌آورند که (محبت و مدارا) و خوشرویی با آنها کند.

۵- عفو و تغافل، تنبیه و تشویق و تکریم

انسان جایز الخطاست و از اشتباه و خطا مصون نیست. بنابراین اگر در مسیر تربیت دچار سهوی شود نباید چنان مورد عتاب و خطاب قرار گیرد که از ادامه راه بازماند و از خودباوری و اعتماد به نفس فاصله بگیرد. در لغت واژه تشویق معنای برانگیختن و به شوق آوردن است و تنبیه به معنای بیدار کردن، آگاه و کردن و هشیار ساختن و این دو در کنار هم برای تربیت فرزند، مورد نیاز است به شرطی که مربی و پدر و مادر، معیار و میزان هردوی آن را بخوبی تشخیص دهند. البته شناخت این میزان و زمان و مکان تشویق و تنبیه لبه تیزی دارد که هرکسی از عهده آن بر نمی‌آید و البته تعدیل بین این دو اصل را در تربیت اسلامی باید مورد توجه قرار داد؛ چنانکه ائمه اطهار (ع) با شناختی که از سریر افراد و قابلیت‌هایشان داشتند به این مهم یعنی تقدم عفو بر تنبیه و مجازات می‌پرداختند. امام علی (ع) در دستگاه عدالت خود هردوی آن یعنی مهر و قهر را به جای خود و شمشیر تیز عدالت و نیز زبان رأفتش را در جای مناسب به کار می‌بست در عین حال در مسیر تربیت و پرورش فکری و اخلاقی افراد بسان پیغمبر خاتم (ص) از حقوق خود و جسارت‌های افراد در اوج قدرت می‌گذشت و ناسزای معاندان جاهل را به جای اینکه به محکمه قضاوت بکشاند با خود به مسجد می‌برد و صمیمانه از خدا برای چنین افرادی طلب مغفرت، و برای هدایت ایشان دعا می‌کرد. آن حضرت در جهت بیداری و هوشیاری مریبان در مسیر تربیت افراد خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید:

«فاذا استحق احد منك ذنباً فان العفو مع العدل راشد من الضرب لمن كان له عقل»
(علامه مجلسی، ۱۳۶۲: ۲۱۸).

پس اگر یکی از شما مرتکب خطایی شد عفو و تغافل همراه با توازن و به تناسب خطا از تنبیه و زدن فرد البته برای کسی که عاقل است بهتر و برتر است.
البته آن حضرت برای تعدیل در برخوردها با این اعتقاد که گاهی، بخشیدن یک فرد تبه‌کار بیشتر از اصلاح یک فرد کریم برای فرد و جامعه مضر و فسادآور است العفو یفسد من اللئیم بقدر اصلاحه من الکریم (علامه مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۵) به تعیین حدود و مرزهایی در خصوص تشویق و تنبیه متربیان پرداخته فرمودند:

«ولا یكونن المحسن و المسيء عندك بمنزلة سواء فان ذلك تزهيدات لاهل الاحسان في الاحسان و تدریبات لاهل الاساءة علي الاساءة و الزم كل منهم، الزم نفسه» (امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۱۰۰۰).

یعنی نباید نیکوکار و بدکارتر نزد تو به یک پایه باشند که آن، نیکوکاران را نیکویی بی‌رغبت سازد و بدکاران را به بدی کردن وامی‌دارد؛ پس هر یک از ایشان را به آنچه عمل کرده است، جزا بده.

علاوه بر این، حضرت براساس آن کرامتی که برای انسان قائل بود همان کرامتی که با نفعهٔ رحمانی در کالبد انسان دمیده شد و آدمی مسجود ملائکه گردید که خداوند فرمود: و لقد کرمتنا بنی آدم (اسراء/۷۰) همواره تأکید می‌کرد تا با انسان خطاکار در مرحله اول از سر رأفت و کرامت رفتار کنید و به منظور بیداری و تحرک انسانها براساس همان غیرت و روح کرامتش وارد عمل شوید؛ چنانکه خود در خطاب تمام به وجدانهای خفته می‌فرماید:

«و اکرم نفسك عن كل دنیه و ان سافتك الي الرغائب فانك لن تعترض بما تیدیل من نفسك عوضاً ولا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حراً» (امام علی (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۸۹۱).

بزرگوارتر از آن باش که به پستی دنیا تن دهی؛ هر چند تو را به مقصود برساند. زیرا نمی توانی در برابر آنچه از شخصیت در این راه که از دست می جایگزینی به دست آوری. بنده دیگری مباش در حالی که خدایت آزاد آفریده است. براستی کرامتی که خدا به انسانها بخشید و او را در جیان تربیت به تکریم واداشت از هر گونه هدف و روشی که به کرامتش لطمه بخورد منع نموده است. و حضرت علی (ع) بدین طریق به افراد منزلت می بخشید و آنها را با دادن اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری به راه می انداخت و آنها را به تربیت خودشان وامی گماشت تا با حفظ عزت و کرامت خود به سراغ تخلفی نروند تا به درخواست و عجز کشیده نشوند و آنگاه خود کریمانه از پستی های گناه به بلندای قله تقوی پناه آورند و در کنار آن تازیانه تأدیب را برمی افراشت که از غفلت و بازیگوشی و تخلف و سرپیچی در این راه پرهیز کنند.

نتیجه

اگر گفته شود هر روشی برای هر فردی تعریف و جایگاه خاصی می یابد، سخن به گراف نیست. البته خدا و رسول و ائمه هدی (ع) همه این راهها را در بیان و عمل به ما نشان داده اند؛ اگرچه هر کدام از آن روشها به مقتضای افراد، متفاوت و براساس شئون مختلف از تعاریف مختلفی برخوردار می شود. حال از این روشهایی که از دل گفتار دلنشین امام علی (ع) و شاخصهای رفتاری آن حضرت بیان شد، کدام را باید

برگزینیم و چگونه؟ اینها همه سؤالات و پیش‌فرضهایی است که باید درباره تربیت افراد مورد توجه قرار بگیرد تا به جوابی درخور تأمل دست یافت. اصولاً نماد گفتاری و نوشتاری امام علی (ع) طبق مطالب بیان شده می‌تواند شاخصهای رفتاری خوبی از نظر تربیتی بویژه برای فرزندان در محیط گرم خانواده باشد. اما چگونگی تطبیق شرایط و مقتضیات افراد به تناسب این شاخصه‌هاست که به درک ظرفیتها در افراد نیازمند است و این فهم نیز برعهدهٔ مربیان از جمله پدر، مادر و معلم و... است که با توانایی و درایت خاص و شناخت تواناییهای افراد و بیشتر با تناسب محورهای عملی در ارائه راهکارهای بیان شده وارد عمل شوند.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- نهج‌البلاغه. امام علی (ع). ترجمه و شرح فیض‌الاسلام، ج ۶-۱، چاپ فقیه، ۱۳۶۵.
- نهج‌البلاغه. امام علی (ع). ترجمه محمد دشتی، چاپ و نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۶.
- اسحاقی، سیدحسین. سلوک علوی، راهبردهای امام علی (ع) در تربیت فرزندان. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، انتشارات و تبلیغات حوزه علمیه قم.
- حجتی، سیدمحمدباقر. اسلام و تعلیم و تربیت. ج ۱، تربیت اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- راغب اصفهانی. مفردات الفاظ قرآن. ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، ج ۲، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۱.
- علامه مجلسی. بحارالانوار. بیروت: احیاء التراث العربیه، ۱۳۶۲.
- مظلومی، رجایی. گامی دیگر در مسیر تربیت اسلامی. نشر آفاق، ۱۳۵۸.

